



سال دوم - شماره ۸۸
 یکشنبه ۲۱ تیرماه ۱۳۶۰
 بهای ۱۰ ریال

سیارک در هفته منتشر میشود

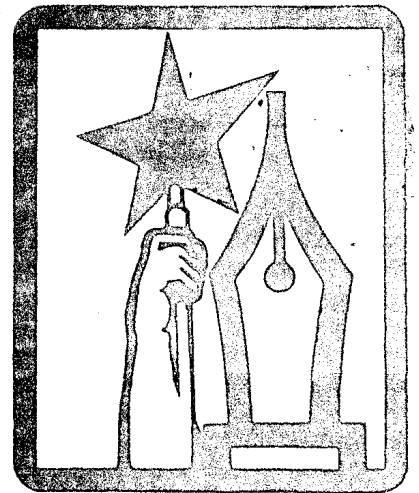
رهائی

ویژه مبارزات توده‌ای

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

تجربهای دیگر :

کمونیستها پیگیرترین مبارزین راه آزادی



در سیر وقایعی که به بهمن ۵۷ انجامید در همان مقطع قابل تشخیص نبود ، بلکه از آنرو که برای مردم و متأسفانه بسیاری از سازمانهای سیاسی هم تجربه و تسلط تحلیل روشنگر است ، در این دو سال و نیم منبردم آموختند که " روحانیت " علیرغم تمام نغمه‌سراشهایش در باره " مستضعفین " و حکومت عدل و مساوات اسلامی

تشریحی گره خسته با افکار آگاه ، با قلبهای مشتاق و مشتغالی گره کرده در مقابل جوخه‌های اعدام رژیم جمهوری اسلامی می‌ایستند تا فریاد همشده جاودان آزادی و انقلاب را سر دهند. در حصارهای تنگ سیاسی تمام زندان و در زندانی بزرگتر بنام ایران ، مبارزین انسانی و مردم‌محبتکش ، رنج‌دیده و از ستم نرسیده‌ی ایران ، هر یک بنحوی تمام آهانتها ، تحقیرها ، و شکنجه‌های روحی و جسمانی را بجان و دل می‌خرند و به مبارزه خویشتن‌ریختانه ادامه می‌دهند تا حکومتی را که از بالای سر آنان قدرت سیاسی را در بهمن ۵۷ غصب نموده ، از اریکدی خلافت قرون وسطائی که رژیم آنرا ودیعی الهی در نزد ولی امر می‌پندارد بریز کشند و به خواستهای واقعی انقلاب شکرهمند اما منحرف شده‌ی بهمن ۵۷ تحقق بخشند.

آنچه امروز در میهن ما می‌گذرد ! ادامه مبارزه طولانی و پر پیچ و خمی است که از سالها پیش پیشتر از آنکه روحانیت بفر " مبارزه علیه رژیم سلطنتی افتد و " لیسرالها " ، " تبعید " بی‌درسر و خانه نشینی را به گله‌گذاری از رژیم سلطنتی ترجیح دهند. آغاز شده است و علیرغم کاستیها و تحمل ضربات فراوان که همه لازمی یک مبارزه انقلابی است به پیش می‌رود. در این دو سال و نیم که بیشک از پربارترین دوران تجربه بهاندوزی مردم و سازمانهای سیاسی از مبارزه جاری در جامعه بوده است ، بسیاری از خطوط سیاسی ، برنسامه‌ها و جریاناتی که در اثر انقلاب سیاسی بهمن ماه ، فرصت عرضاندام یافته‌اند روشن‌تر شده است. روشن‌تر نه از آنرو که خواستها ، اهداف و نیات هر کدام از آنها

در صفحات دیگر

* اسناد مربوط به بنیاد مستضعفان

* اخبار

* و ...

تجربه‌ای دیگر...

چیزی جز دروغ و تزویر و ترور و اختناق در چنتا سال ندارد. تحقق آزادی ۱۴۰۰ ساله‌ی روحانیت برای احیای خلافت، از همان آغاز روزهای بهمن ماه چیزی جز فخر و فلاکت و سیاه‌روزی برای زحمتکشان و سرکوب تدریجی ولی متداوم دستاوردها و آزادیهای بدست آمده توسط مردم را به همراه نداشت. مردم به‌رأی‌العین و تجربه‌دریافتند که حکومت مساوات و عدل اسلامی، چیزی جز ادامگی همان حکومت سلطنتی با پوشش و حجاب اسلامی نیست. بجای دیکتاتور سابق، دیکتاتور جدیدی می‌نشیند که در سفاکی و بی‌رحمی از او دست‌کمی ندارد. خای ساواک و کمیته مشترک ساواک و شهرپایی را "کمیته و ساواک" می‌گیرد بی آنکه در گسترش دامنه‌ی ترور و اختناق از سلف خود عقب مانده باشد. جاسای روزنامه‌های درباری را روزنامه‌های مکتبی می‌گیرند و اگر نه بیشتر به همان اندازه در تحمیل مزد می‌کشند. جای شاهزادگان سابق را فرزندان آپست عظام هر می‌کنند، و بجای هزار فامیل سابق شبکه‌ی وسیع روحانیت، در رأس قدرت قرار می‌گیرد. مردم در این دو سال و اندی از "امام" و "امامزاده" هائی که همچون علف‌هرز ساکهان در همه جا رو شدند معجزه‌ای ندیده و به زندگی بر آرزو و رنج خود همچنان ادامه دادند اما هاله‌ی مقدس مذهب گذشته برای استقرار و اطمینان روحانی حکومتی بکار گرفته می‌شد که در غیاب نیروهای سازمان یافته‌ی مترقی و در زدوبندهای بین‌المللی و داخلی در خلوت به قدرت رسیده بود نتوانست چندان در مقابل واقعیت سخت مبارزه لطیفاتی دوام آورد و این تقدس مذهبی بسرعت جای خود را به تقدیس قدرت دیکتاتوری داد. مردم به یمن تجربه‌ی خونین دریافتند که آنچه که روحانیت با تمام بخش‌بندیهای موجود در آن در ظاهر مدعی آن بود با آنچه در واقع و در عمل بدان دست زد متفاوت است. دیررسیدگان تاریخ، که از اعماق پستوها و زیرزمین‌های نمناک تاریخ به قدرت رسیدند، چندان در گرداب مبارزه‌ی سیاسی جاری در غلطیدند که بسرعت بر زیر عبای خود، ردای ژنرالها را به تن کرده و بر روی نعلین‌های خود، چکمه‌های قزاقی را پوشیدند. ژنرالهای عبا پوش نشان دادند که از ژنرالهای عبا دست‌کمی ندارند.

اما روشن شدن چهره‌ی واقعی روحانیت و حیزب منفور حزب جمهوری اسلامی و لشکریان اسلامش، حیزب الله تنها دستاورد مبارزات دو سال گذشته نبود. علاوه بر این واقعیتی دیگر برای مردم روشن شد، شرکتی سابق قدرت، و مغضوبین فعلی خلافت یعنی "لیبرالها" نیز نشان دادند که در چنته‌های بی بضاعتشان چیزی جز ترس و محافظه‌کاری و فریب‌ندارند، "لیبرالها" که در سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی تا آنجا که به نفع خود آنان بود از اتحار طلبان دست‌کمی نداشتند و صرفاً "پراز آنکه زمینه‌چینی سلب قدرت از ایشان توسط دارودسته‌ی ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی آشکار کردید، ناگهان بیاد "آزادیهای" از دست رفتگی مردم افتاده و به نوحه سرایی پرداختند.

طراحان حمله به کردستان و دانشگاه، موسسه گروه فاشیستی مجاهدین انقلاب اسلامی، سیاه پاسداران و ساواک چون بنی‌صدر و جمران، قطب‌زاده و یزدی و امثالهم که سابقه "مبارزاتیشان" به دریافت بورس تحصیلی از موسسه تحقیقات علوم اجتماعی دانشگاه تهران، همکاری با فلانزیستهای لبنان و صهیونیستهای اسرائیلی در سرکوب جنبش فلسطین، تلاش در به انحراف کشیدن مبارزات دانشجویی در خارج از کشور... خلاصه می‌شود چنان سنگ آزادی و عدالت را به سینه زدند که گویی گویی نه قبل از آنها، نه همراه آنها، و نه بعد

از آنها هیچ آزاداندیش و آزادیخواهی بر روی کسره زمین وجود نداشته و نخواهد داشت. در دنیای وارونه‌ی جمهوری اسلامی که علی‌القاعده می‌باید بجای دویا بر روی سر حرکت کرد اینان چنان فریبناز "آزادیخواهی" سر دادند که گوش فلک را هم کس کرد. کذابانه بودن این فریاد "آزادیخواهی" تنها به این خاطر نبود که آنها خود در گذشته آزادیهای اساسی را زیر پا گذاشته بودند. در همین "دروغ" "دروغی بزرگتر نهفته بود. اینان نه تنها گذشته را وارونه جلوه می‌دادند، بلکه چنان تصویر از پایداری خود در مقابل "غول استبداد" ترسیم می‌کردند که هر انسان زود باور و نا آشنا به مغلطهای سیاسی رایج در میان "لیبرالها" را دچار تردید می‌کرد. بنی‌صدر این غول گلی چنان از لزوم مبارزه علیه استبداد و خودکا - مگی فریاد برآورد که کم کم موفق به ایجاد توهم جدیدی در ذهن مردم شد. اما این غول گلی و اطرافیان چنان به سرعت در مقابل اولین تهاجم جدی و وسیع حزب جمهوری اسلامی، میدان "مبارزه" را ترک کردند و از هم پاشیدند که برآستی برای توده‌های مردمی که بخاطر کسب آزادیهای اساسی خود بسیج شده بودند، باور آن مشکل بود.

نهضت آزادی و بازرگان توبه نامه‌های خود را به محضر "امام امت" فرستادند و هر گونه شک و شائبه‌ی را در مورد خود بر طرف کردند. بنی‌صدر که می‌خواست بعد از حکم عراق کار را بکسر کند چنان در جنگ خانگی مغلوب شد که بیشک اگر فرصتی دوباره باشد او نیز توبه خواهد کرد. بازرگان سکوت و بنی‌صدر فرار را برگزیدند تا بتوانند در فرصت بعدی، آنگاه که مردم و نیروهای انقلابی کار را بکسر نمودند مجدداً به میدان آیند. تجربه بار دیگر نشان داد که بورژوازی در دفاع از آزادی و آزادیخواهی تا چه اندازه زیون و مفلوک و مردد است و چگونه سیاست‌صبر و سکوت را در پیش می‌گیرد.

باز هم کمونیستها و سایر نیروهای مترقی هستند که بار سنگین مبارزه‌ی انقلابی را بدوش می‌کشند. کمونیستها در مقابل جوخه اعدام فریاد "زنده باد سو سیالیسم، زنده باد آزادی" را سر می‌دهند و دیگر نیروهای مترقی با خون خود شعار مرگ بر ارتجاع را بر روی اسفالت داغ خیابانها و خاک میدان شیر رقم می‌زنند. "لیبرالها" به پستوها و به دیار غرب می‌خزند و کمونیستها و مجاهدین در زندان و شکنجه‌گاهها، در خانه‌های تیمی در خیابانها، در کارخانه‌ها و... با حماسه‌آفرینی سگری و وفاداری خود به آرمانهای انقلابی را در عمل به اثبات می‌رسانند.

کمونیستها این پیگیرترین مبارزین راه رهائی کارگران و زحمتکشان، با ایثار و فداکاری بینظیری در مقابل آماج تهمت، افترا و گلوله‌های دژخیمان جمهوری اسلامی، سربلند و با افتخار از اینکه هیچگاه در مقابل دولت ارتجاعی جمهوری اسلامی سر خم ننموده‌اند به مبارزه‌ی خود در شرایط ترور و اختناق ادامه می‌دهند.

زندانیان یکی پس از دیگری از تنهای خسته و شکنجه دهنده کمونیستها و مجاهدین پر می‌شود. گورستانهای عمومی اجساد متلاشی شده بهترین فرزندان خلقهای ایران را که بدست دژخیمان جمهوری اسلامی کشته شده‌اند در خود جای می‌دهند. اما سیل پرخروش و توفنده مبارزه‌ی انقلابی همچنان در جامعه دنبال می‌شود. خیل عظیم مبارزین انقلابی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و میریالیسم جهانی را به وحشت انداخته است. در چهار گوشه کشور، در کردستان، تهران، در شمال مبارز، در جنوب حماسه آفرین هستند و... لرزه بر اندام حکومت جبار و ارتجاعی جمهوری اسلامی افتاده است.

خطوط روشن‌تر و روشن‌تر می‌شود. آخوندها در قدرت

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه‌داری نیست

به شکار انقلابیون می‌پردازند، لیبرالها کنار می‌کشند و کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی به مبارزه‌ی خود بخاطر آزادی و سوسیالیسم ادامه می‌دهند. درسی خونین اما گرانبها از یک تجربه یکبار دیگر صحت‌گفته ما را اثبات می‌کند. کمونیستها در تئوری و عمل پیگیرترین نیروها هستند.

این فرصتی مجدد است که کمونیستها مردم زحمتکش و از ستم نرسده‌ی خود را به مبارزه‌ای سخت و طولانی فرا خوانند و فریاد "زننده باد آزادی، زننده باد سوسیالیسم" را سر دهند. فریادی که شوید دهنده‌ی بر چیده شدن حاکمیت ترور و اختناق و ستم طبقاتی است. اما مخاطب کمونیستها فقط زحمتکشان نیستند، بلکه علاوه بر آن جریاناتی هستند که علی‌رغم آنکه خود ناپیگیری و تزلزل "لیبرالها" و همدستی آنان را با "انحصارطلبان" در سرکوب نیروهای انقلابی و مترقی تجربه نموده‌اند، ولی هنوز پی به فریب‌کاری "لیبرالها" و لیبرالها نبرده‌اند و هنوز به این نتیجه نرسیده‌اند که فقط در کنار کارگران و زحمتکشان آزادی واقعی بدست خواهد آمد.

تجارب گوناگون در سراسر جهان و ایران چه در دوران دیکتاتوری رژیم شاه و چه هم‌اکنون که دوران استبداد و دیکتاتوری شوکیسه گان جمهوری اسلامی و حزب فاشیستی جمهوری اسلامی است باید به همگان نشان داده باشد که تنها در مبارزه قاطع و بی‌امان علیه اساس سرمایه‌داری و تلاش برای سرنگونی نظام سرمایه‌داری است که می‌توان بردیکتاتوری و خفقان غلبه کرد. زیرا این نظام سرمایه‌داری در ایران است که دیکتاتوری فاشیستها را الزام آور می‌سازد. علاوه بر این تنها همین تجارب چند سال اخیر باید به همگان نشان داده باشد که قاطع‌ترین، پیگیرترین و سوسخت‌ترین دشمنان سرمایه‌داری، کمونیستها هستند. فقط آنها دارای برنامه‌ی مشخص برای سرنگونی نظام سرمایه‌داری و جانشینی آن با نظام نوین سوسیالیستی یعنی تنها بدیل واقعی در مقابل سرمایه‌داری هستند. بنا بر این با توده‌ای شدن مبارزه و جهت‌دادن چنین مبارزه‌ای بر چنین راستایی توسط کمونیستها است که می‌توان امید و چشمانداز پیروزی نهایی سرمایه‌داری و دیکتاتوری و کسب آزادی واقعی را داشت. لازمه‌ی این نیز شرکت هر چه وسیعتر در مبارزه و تبلیغ هر چه بیشتر چنین سیاستی است.